

Original Paper **Allegorical travelogues in Iranian and world literature**

Jafar Havasi¹

Abstract

Allegorical travelogues are mainly influenced by Islamic religions, which are written by great writers inspired by religious teachings and based on religious traditions. Since there are many commonalities regarding the hereafter in all Islamic religions, such travelogues are also common in various ways.




The author has explained the points and mysteries of each of them, focusing on the travelogues of Ardavirafnameh, Sira al-Abad Eli Maad and Komedi Elahi. At the same time, the author has tried to examine the allegory from various lexical, idiom, Quran and narration, history and psychology perspectives.

The purpose of this article is to express different angles of one of the most common and effective ways of expression, which is allegory. Whether this efficient tool can be effective in educational purposes is one of the basic research questions.

This research is written in a library based on analytical and descriptive method.

Keywords: allegory, allegorical travelogues, meaning of allegory

1-Phd in Persian language and literature, Professor of comprehensive Scientific and Applied University and Teacher of Education, Ilam and Dehloran, Iran jfrhwasy06@gmail.com

Please cite this article as (APA): Havasi, J. (2023). allegorical travelogues in Iranian and world literature. <i>Journal of Pedagogic and Lyric in Persian Language and Literature Studies Quarterly</i> , 15(55), 128-140.	
 Creative Commons: CC BY-SA 4.0	 https://dx.doi.org/10.30495/JPLL.2023.1981195.1294  https://dorl.net/dor/20.1001.1.2717431.2023.15.55.6.1
Publisher: Islamic Azad University Bushehr Branch / No. 54 / Spring 2023	
Received: 26 February 2023	Received in revised form: 22 May 2023
Accepted: 22 May 2023	Published online: 22 May 2023

مقاله پژوهشی

سفرنامه‌های تمثیلی در ادبیات ایران و جهان




جعفر هواسی^۱

چکیده

سفرنامه‌های تمثیلی عمدتاً متأثر از مذاهب اسلامی هستند که نویسندگان بزرگ با الهام از آموزه‌های دینی و برپایه‌ی روایات مذهبی آن‌ها را تألیف می‌کنند. از آن جا که نسبت به آخرت در همه‌ی مذاهب اسلامی مشترکات فراوانی وجود دارد، این گونه سفرنامه‌ها نیز از جهات گوناگونی با هم مشترک هستند. نویسنده با محور قرار دادن سفرنامه‌های ((ارداویراف نامه))، ((سیرالعبادالی المعاد)) و ((کمدی الهی)) و با توجه به عدم تطبیقی پیشینه آنها به تشریح نکات و رمز و رازهای هر کدام پرداخته است. در ضمن نویسنده کوشیده است تمثیل را از منظرهای گوناگون لغوی، اصطلاحی، قرآن و روایت، تاریخ و روان شناسی مورد بررسی قرار دهد. ضرورت و هدف از این مقاله این است که زوایای گوناگون یکی از عام‌ترین و موثرترین شیوه‌های بیان یعنی تمثیل بیان شود. اینکه آیا این ابزار کارآمد می‌تواند در اهداف آموزشی- تربیتی مؤثر باشد یکی از سؤالات اساسی تحقیق است. این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای و بر اساس روش تحلیلی- توصیفی است.

کلیدواژه‌ها: تمثیل، سفرنامه‌های تمثیلی، رمز، معانی تمثیل

۱. دکترای زبان و ادبیات فارسی، مدرس دانشگاه جامع علمی و کاربردی و دبیر آموزش و پرورش، واحد ایلام و دهلران، ایران
 Jfrhwasy06@gmail.com

لطفاً به این مقاله استناد کنید: هواسی، جعفر. (۱۴۰۲). سفر نامه‌های تمثیلی در ادبیات ایران و جهان. فصل نامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی. ۱۵(۵۵)، ۱۴۰-۱۲۸.	
 حق مؤلف © نویسندگان.	 https://dx.doi.org/10.30495/JPLL.2023.1981195.1294
	https://dori.net/dor/20.1001.1.2717431.2023.15.55.6.1
ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر / شماره پنجاه و پنجم / بهار ۱۴۰۲ / از صفحه ۱۴۰-۱۲۸	
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۰۷	تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۳/۰۱
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۰۱	تاریخ انتشار بر روی اینترنت: ۱۴۰۲/۰۳/۰۱

مقدمه

بی شک در گستره‌ی تاریخ بشری، تمثیل بهترین روش فهمیدن و فهماندن به افراد کوچک و بزرگ بوده و هست. بازنگری و تحقیق درزوایای مختلف این شیوه و استفاده به جا از این ابزار کارآمد، علاوه بر کمک به اهداف آموزشی - تربیتی، می‌تواند باعث نشر و شناسایی و شکوفایی زبان و ادبیاتی شود که زیباترین و لطیف‌ترین مفاهیم عرفانی، اخلاقی و علمی را به تشنگان علم و ادب عرضه کرده است. می‌توان تمثیل را یکی از مناسب‌ترین شیوه‌های نمایش الگو به نسل جدید به حساب آورد و با بررسی نمونه‌ها و کتاب‌های تمثیلی در گستره‌ی تاریخ و فرهنگ کمک شایانی به ادبیات و توسعه‌ی آن پرداخت. سفرنامه‌های تمثیلی عمدتاً بر اساس آموزه‌های دینی و مذهبی هستند. در این نوشتار، با محور قرار دادن سه سفرنامه‌ی تمثیلی از سه مذهب و تمدن مختلف جهان یعنی ((ارداویراف نامه)) متعلق به ایران باستان، ((سیرالعباد آل المعاد)) متعلق به دوران اسلامی و ((کمدی الهی)) مربوط به اروپای قرون وسطی، به تشریح نکات و رمز و رازهای اجتماعی و دینی هر کدام پرداخته شده است. غالباً تمثیل را نمی‌توان یک نوع ادبی به شمار آورد بلکه در حقیقت شگرد و شیوه و تکنیک بیان مطلب است. منتها به اثری که تماماً به شیوه‌ی تمثیل بیان شده باشد، به چشم ادبی نگریسته می‌شود. آن جا که کنایه رساتر از تصریح است، معانی و مضامین در قالب تمثیل بهتر و رساتر ادا می‌شود. علاوه بر این چون علاقه به قصه در نهاد بشر فطری و ذاتی است، این شیوه برای آدمی مسرت بخش و دلپذیر است. زبان تمثیل از خشکی و تلخی پند و اندرز صریح می‌کاهد. به دلایلی که در بالا آورده شد، شیوه‌ی تمثیل از دیرباز مورد توجه بوده است.

بیان مسئله

اولین گام در هر پژوهشی انتخاب و شناخت دقیق موضوع است. تمام زبان‌های زنده از دیرباز از تمثیل بهره برده‌اند و اغلب این تمثیل‌ها از نوع حکایت اخلاقی هستند. مثل و تمثیل در ادبیات فارسی سابقه‌ای کهن دارد. در مغرب زمین، قدیمی‌ترین مجموعه‌ی امثال را به شخصی به نام ایزوپ نسبت داده‌اند که حدوداً پنج قرن قبل از میلاد می‌زیسته و تاریخ قدیمی‌ترین نسخه‌ی آن، مربوط به سیصد سال قبل از میلاد است. این کتاب بعدها به سریانی ترجمه شد و در مشرق زمین تأثیر فراوانی داشت. ((قدیمی‌ترین تمثیلی که در تاریخ ادب در ممالک شرق نزدیک وجود دارد، حکایتی است به نام «اشجار» که در عهد عتیق آمده و نمونه‌ی کامل تمثیل از نوع حکایت اخلاقی است.)) (عهد عتیق، سفر داوران، جلد ۹، صص ۱۶-۸)

پیامبر و امامان نیز اغلب از شیوه‌ی تمثیل بهره برده‌اند؛ چنان که علامه سیوطی چهل و دو حدیث تمثیلی از پیامبر (ص) و از دیگر امامان نیز تمثیلات بیشماری نقل شده است. در تعالیم بودایی نیز تمثیلات فراوانی وجود دارد تا جایی که عده‌ای به غلط ریشه‌ی تمثیلات انجیل را در تعالیم بودایی جستجو کرده‌اند. ((کاربرد تمثیل با این قدمت و گستردگی، برخی محققان را بر آن داشته که اختراع تمثیل اخلاقی را مختص مردم مشرق زمین بدانند.)) (بونفه آلمانی، مترجم پانجا تترا، ص ۱۵)

پیشینه‌ی پژوهش

علی طاهر خانی آقایی (۱۳۸۴) نمادها و تمثیل‌های داستان کاوه آهنگر در شاهنامه را مورد بررسی قرار داده است. نویسنده در این مقاله با اعتقاد به اینکه دریافت معنی در واژگان نیست بلکه در محتوا و چارچوب کلی است، این بحث را در بستر یک داستان نمادین و رمزی مورد توجه قرار داده است. مهدی صالحی (۱۳۸۵) در مقاله‌ی ((پیر اندر خانه‌ی تاریک)) ضمن مقایسه‌ی قصه‌ی مذکور با حدیقه‌ی سنایی به رمزها و نمادهای به کار رفته در این داستان پرداخته است. علی مراد خالقی بابایی (۱۳۸۶) در مقاله‌ای به تمثیل‌ها و نمادها و مضامین به کار رفته در قصه‌ی طوطی در مثنوی معنوی پرداخته است. این نویسنده در نوشتار خود، این پرنده‌ی پر رمز و راز را از دیدگاه نمادین و تمثیلی مورد بررسی قرار داده است. اشرف روشندل پور (۱۳۹۲) در مقاله‌ای به نقد و بررسی ادبیات تمثیلی جهان در کتاب ادبیات تخصصی رشته‌ی علوم انسانی پرداخته است. این نویسنده کتاب را در سه بخش ساختار، تحلیل و نقد، بررسی کاستی‌ها و نکات مثبت در قالب ادبیات تمثیلی به بحث گذاشته است. رضا آزاد پور (۱۳۹۳) در مقاله‌ای به بحث در مورد کم‌دی الهی دانته و ارداویراف نامه پرداخته و زوایای آنها را تحلیل و تفسیر کرده است.

روش گردآوری و شیوه پژوهش

این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای و بر اساس روش تحلیلی و توصیفی و بررسی منابع و مقالات مهم در زمینه‌ی تمثیل و نمادها در زبان فارسی و متون خارجی نوشته شده است. فیش برداری از نتایج حاصله از مطالب مورد مطالعه و کنکاش در تجزیه و تحلیل‌های دریافتی اساس کار نگارنده بوده است.

سؤالات تحقیق

۱. رمزو رازهای سفر نامه‌های تمثیلی در ادبیات ایران و جهان چگونه است؟
۲. آیا این ابزار کارآمد یعنی تمثیل می‌تواند در اهداف آموزشی - تربیتی مؤثر باشد؟

تمثیل از منظر لغوی

مثل و تمثیل در ادبیات فارسی سابقه‌ای کهن دارد و معمولاً به معنی داستان و یا نمودار به کار رفته است. حدود نیم قرن پیش از این تمثیل به معنی «فراگرفت» به کار رفت که مورد استقبال قرار نگرفت. ((واژه‌ی تمثیل از ریشه‌ی (م. ث. ل) به معنای «شبیبه» یا مثل به معنای «مانند و هم‌تا» گرفته شده است. واژه‌ی تمثیل نیز به معنای زیر آمده است: ۱. مثال آوردن ۲. تشبیه کردن ۳. صورت چیزی را مصور کردن ۴. داستان یا حدیثی را به عنوان مثل بیان کردن ۵. عقوبت کردن، بریدن اعضا و جوارح و عذاب دادن. (المنجد)

تمثیل در معنای اصطلاحی

اهل ادب برای تمثیل و مثل به اختلاف ذوق، تعبیرات گوناگونی بیان کرده‌اند:

- ۱ - اگر حکایت از زبان حیوانات و اشجار و جمادات نقل شود و متضمن نکته‌ی اخلاقی باشد، به آن حکایت اخلاقی (fable) می‌گویند.
- ۲ - اگر این حکایت به صورت رمز و اشاره و تعمیم ادا گردد و از آن معنایی فلسفی یا عرفانی استخراج شود، به آن تمثیل رمزی (Allegory) می‌گویند.
- ۳ - اگر آن حکایت از افسانه‌های گذشتگان و اخبار خرافی پیشینیان گرفته شده باشد، به آن اسطوره (Myth) می‌گویند.
- ۴ - اگر اسطوره‌ها یا افسانه‌های کهن از معتقدات عامه باشد، آن را مجموعه‌ی قصص یا اعتقادات یا روایات تاریخی (Folklore) می‌گویند.

تمثیل از منظر قرآن و روایت

خداوند در قرآن توجه خاصی به تمثیل داشته و آن را بهترین روش برای تفکر و تعقل و ارشاد می‌داند. در قرآن به بیش از ۱۷ مثل و تمثیل تصریح شده و بیش از ۲۴۵ آیه‌ی قرآن به عنوان ضرب‌المثل در زبان عربی و فارسی به کار می‌رود. برخی از تمثیل‌های قرآن در کتاب‌های آسمانی پیشین آمده اما

برخی از آن‌ها به حدی زیبا و در نهایت کمال است که مجال هرگونه شک و تردید تقلید را بر مستشرقان بسته است. (قرآن کریم ۲۱/۵۹ و ۲۷/۳۹)

واژه‌ی مثل در قرآن به پنج معنا آمده است:

۱- حکایت تمثیلی (Parable) چون «و اضرب لهم مثلاً رجلین». (۳۲/۱۸)

۲- داستان‌های گذشته به اعتبار آن که محل تأمل و عبرتند. «لا یاتکم مثل الذین خلو من قبلکم». (۲/۲۱۴)

۳- به معنای تشبیه. (۱۷/۴۳)

۴- به معنای صفت: «مثل الجنه آتی وعد المتقون». (۲/۲۶۱)

۵- به معنای نمونه کامل: «ان هو الا عبد انعمنا علیه و جعلناه مثلاً». (۵۹/۴۳)

تمثیل در گذر اقوام و تاریخ

تمام زبان‌های زنده از دیر باز از تمثیل بهره برده‌اند و اغلب این تمثیل‌ها از نوع حکایت اخلاقی هستند. هندیان تمثیل‌های سرزمین خود را در دو کتاب بسیار کهن «پنجا تنترا» و «هیتو پادسا» گرد آورده‌اند. ((قدیمی‌ترین تمثیلی که در تاریخ ادب در ممالک شرق وجود دارد، حکایتی است به نام «اشجار» که در عهد عتیق آمده و نمونه‌ی کامل تمثیل از نوع حکایت اخلاقی است)). (عهد عتیق، جلد ۹) در مغرب زمین، قدیمی‌ترین مجموعه‌ی امثال را به شخصی به نام «ایزوپ» نسبت داده‌اند که حدوداً پنج قرن قبل از میلاد می‌زیسته است.

تمثیل در ادبیات فارسی

مثل و تمثیل در ادبیات فارسی سابقه‌ای کهن دارد و معمولاً معادل یکی از واژه‌های زیر است:

۱ - داستان (تفسیر سوره‌ی ابراهیم اثر ابوبکر عتیق سوره‌ی ابراهیم و تفسیر ابوالفتح رازی)

۲ - داستان به معنی حکایت چنان که در فرهنگ جهانگیری آمده با استناد به این بیت ابن یمن:

بر فراز ربع مسکون آن که با مردانگی

داستان پور داستان جمله داستان یافتند

(ابن یمن، قطعات)

۳ - نمودار. فرهنگ نظام ریشه‌ی کلمه‌ی نمودار را از اصل پهلوی نقل کرده و به این بیت از سحر کاشی استشهد می‌کند:

حبذا بزم عشرت آهنگش

چون نموداری از جنان باشد

(سحر کاشی، دیوان)

۴ - فرهنگ رشیدی دو واژه‌ی «نمونه» و «نموده» را معادل آن دانسته که «انموذج» معرب آن است. این بیت از معزی:

کتاب و کلک همه کاتبان نمونه شد

چو کلک او بنگارد صحیفه‌های کتاب (معزی، دیوان)

۵ - در تفاسیر قدیم یا همان مثل و تمثیل را به عینه از عربی نقل کرده‌اند یا به «سان» و «صفت» ترجمه کرده‌اند.

۶ - فردوسی نیز در شاهنامه تمثیل‌های زیبایی می‌آورد؛ از جمله:

یکی ابلهی شب چراغی بجست

که با آن بدی عقد پروین درست (شاهنامه، فسایی، ج ۲)

۷ - نظامی نیز در تمثیلی زیبا، به بیان حکایت پادشاهی که وزیر برای او از دو مرغ در ویرانه اندرز می‌آورد، می‌پردازد و آن را به انوشیروان نسبت می‌دهد. (مخزن الاسرار، مقاله‌ی دوم)

تمثیل از منظر روان شناسی

از علل عمده‌ی مقبولیت تمثیل در جوامع بشری می‌توان به چند نکته اشاره کرد:

۱ - تمثیل معمولاً ساختاری داستانی دارد و علاقه به داستان در نهاد بشر امری فطری است.

۲ - تمثیل با بیانی غیر مستقیم و کنایی، از تلخی و گزندگی پند می‌کاهد؛ زیرا سرشت آدمی از این که آماج تیرهای

پند واقع شود، ناخرسند است.

۳ - معمولاً معانی انبوه در قالب تمثیل به شکلی موجز نمایش داده می‌شود و کم‌تر باعث خستگی و ملالت مخاطب می‌گردد.

۴ - تمثیل چون سایر آرایه‌ها فرایندی دو جانبه دارد؛ بدین گونه با بیان تمثیلی نیمی از انتقال پیام را به عهده می‌گیرد و باقی را به عهده‌ی شنونده و مخاطب می‌گذارد.

۵ - ((تمثیل در فرهنگ بشری مروج روحیه‌ی تسامح و نقطه‌ی اشتراک است به گونه‌ای که هیچ کس آن را محل مناقشه نمی‌داند. تمثیل با بهره گرفتن از محدوده‌ی وسیع مجاز، به زبانی مشترک و جهانی

نزدیک و گزارشگر احساسات و تجربه‌های مشترک بشری می‌شود)). (روان شناسی نوجوانی، گلن مایر، ص ۱۴)

الف) ارداویراف نامه

در آثار تاریخی اطلاعات چندانی از زندگی «ارداویراف» یا «ویراف» نویسنده‌ی کتاب «ارداویراف نامه» ثبت نشده است. قدر مسلم آن است که وی از «موبدان» و «مقدسین» آیین زردشتی بوده است. ارداویراف نامه یکی از معتبرترین آثار مزدیسنا به پهلوی است. ((اغلب در خواندن جزء اول اتفاق نظر دارند و «اردای» را به معنی راستی و تقدس می‌دانند، اما جزء دوم همواره مورد مناقشه است. برخی «ویراب» را مشتق از دو واژه‌ی ویر = حافظه، هوش و آب = آبرو، رونق و قدرت معنی کرده‌اند.)) (ارداویراف نامه، چ دوم، ص ۳)

این کتاب مراحل سفر ارداویراف، پارسای زردشتی را به عالم بالا و دیدار او را از دوزخ و بهشت نشان می‌دهد. آموزه‌ی اصلی کتاب این است که انسان باید راستی بورزد و بر اساس دینی که برای او فرستاده شده، رفتار کند و پارسایی را بستاید. چرا که «اورمزد» همه‌ی کردارها و گفتارها و پندارهای آدمی را می‌داند. کتاب ارداویراف یک اثر فقهی است. این کتاب به صورت توصیف سفری به دنیای دیگر، دستورهای مربوط به آیین و اخلاق دین جدید را در بر دارد و نقش این کتاب همین است. ارداویراف نامه از مهم‌ترین کتاب مزدیسنان و حاوی ۸۸۰۰ کلمه

است. موضوع آن معراج ارداویراف، یکی از مقدسین زردشتی است. ارداویراف طی این سفر روحانی، انواع پاداش‌ها و پادافراه‌ها را از نزدیک می‌بیند. «پوپ» خاور شناس انگلیسی نخستین کسی است که در قرن نوزدهم این کتاب را به اروپاییان شناساند. نخستین ترجمه‌ی این کتاب به نثر توسط مرحوم رشید یاسمی صورت گرفته است. هم چنین «بارتملی» محقق و خاور شناس فرانسوی با یک مقدمه و تفسیر عالمانه این کتاب را به زبان فرانسوی ترجمه کرده است.

در این اثر، دو فرشته‌ی راهنما به نام‌های «سروش اهلو» و «آذر ایزد» ارداویراف را در طی این سفر ملکوتی همراهی و راهنمایی می‌کنند. ارداویراف پس از سربلند آمدن از آزمایش‌های سخت «انجمن مزدیسنان» برای سفر به جهان ارواح آماده می‌شود: ((و او فرمود ایدون بنویسید که در آن نخستین شب، سروش اهلو و آذر ایزد به پیشواز من آمدند و به من نماز بردند و گفتند: خوش آمدی توای ارداویراف که تو را هنوز زمان آمدن نبود.)) (همان، ص ۴۸)

سروش اهلو: ((این فرشته یکی از مهم‌ترین ایزدان آیین مزدیسنان است. او نمودار اطاعت و فرمان برداری و از حیث مقام با ایزد مهر برابر است.)) (همان، ص ۲۶)

آذر ایزد: ((این فرشته نیز در آیین مزدیسنان دارای اهمیت است. و در اوستا غالباً پسر اورمزد خوانده شده است و واسطه‌ی تقرب به درگاه اورمزد است.)) (همان، ص ۲۶)

بهمن امشاسپند: ((از مهین فرشتگان آیین مزدیسنا است و از حیث درجه و مقام پس از اورمزد است. این فرشته مظهر اندیشه‌ی نیک و خرد و دانایی است.)) (دیانت زردشتی، ص ۱۴۸)

ب) سیرالعباد الی المعاد

حکیم ابوالمجد مجلدود بن آدم سنایی غزنوی در خانواده‌ای از خاندان اصیل غزنه دیده به جهان گشود. وی سال‌های آغازین را با شعر و مدیحه سرایی شروع کرد اما مدیحه سرایی وی چندان نپایید و با تغییر حالی عمیق و ناگهانی ستایشگری را رها کرد و به شاعری آزاده و مستغنی مبدل گردید. سیرالعباد منظومه‌ای است به نام سیف الحق محمد بن محمود سرخی در ۷۲۰ بیت در بحر خفیف مقطوع و آن را در سال‌های اقامتش در سرخس سرود. سنایی در این منظومه در تاریکی، پیرمردی نورانی را می‌بیند که همان «نفس عاقله» است. پیرمرد به شاعر پیشنهاد می‌کند که وی را در همه‌ی سرزمین‌ها که نماد «نخستینه‌های گوناگون» اند، بگرداند.

((سفر از پایین‌ترین نخستینه‌ی زمین آغاز می‌شود. در این جا سنایی نگاره‌ی هولناکی می‌آورد که یاد آور دوزخ دانته است.)) (تاریخ ادبیات فارسی، برتلس، ص ۲۱۴)

سنایی در این کتاب سرزمینی را تصور می‌کند که تند باد، جانوران بی‌خردی را همراه می‌آورد و همه‌ی آن‌ها با غل و زنجیر بسته شده‌اند. همه‌ی آنها برای رسیدن به آسایش زحمت می‌کنند اما کارشان هیچ ثمره‌ای ندارد. سرانجام شاعر به سرزمینی خیره‌کننده گام می‌گذارد و بر آن می‌شود که در آن جا بایستد و پیر به او بانگ می‌زند: ((پیش رو، راه تو به خرد آغازین می‌انجامد.)) (همان، ص ۲۱۶)

در داستان منظوم سیرالعباد، فرشته‌ای راهنما در حرمان و حیرانی، که ناشی از زندان عالم کبیر است بر سنایی ظاهر می‌گردد، که همان تحقق «من آسمانی» است. توصیفی که سنایی از این فرشته می‌کند در سیمای پیری نورانی و در عین حال چون بهار تازه و جوان است:

روزی آخر به راه باریکی	دیدم اندر میان تاریکی
پیرمردی لطیف و نورانی	همچو در کافری مسلمانی
شرم روی و لطیف و آهسته	چست و نغز و شگرف و بایسته

(سیرالعباد، ص ۸۸)

سنایی در سیر العباد افعی را مظهر حسادت گرفته است. ابعاد وسیع حسادت از دیدگاه او، یک سر، هفت فلک و چهار طبع مختلف دارد:

او بگفت این و راه ببریدیم
قلعه اندر جزیره‌ی اخضر
ز آتش و آب قلعه‌ای دیدیم
و اندر او جاودان صورتگر

(همان، ص ۳۲)

قلعه در سیرالعباد مظهر و تمثیل تن و شهوت است و جزیره‌ی اخضر تمثیل از دنیاست. جاودان صورتگر نیز تمثیل قوت‌های خیالی است:

هم در آن قلعه حوض تنگی بود
و اندرون حوضشان نهنگی بود
دم او قوت نفس دیوان بود
دم او دام عمر حیوان بود
(همان، ص ۳۳)

ج) کمدی الهی

کمدی الهی بزرگترین اثر دانته و یکی از بزرگ‌ترین آثار ادبیات جاویدان دنیاست که در سال‌های تبعید دانته بین ۱۳۱۴ تا ۱۳۲۱ م. نگارش شده است. این مجموعه‌ی بزرگ شامل یکصد سرود است که هر یک از سه بخش آن یعنی؛ دوزخ، برزخ و بهشت شامل ۳۲ سرود است. کمدی الهی سفرنامه‌ای تمثیلی و موسیقایی است که با الهام از آیین مسیحیت نگاشته شده و از قرن چهاردهم میلادی محور تحقیقات پژوهشگران بوده است. این کتاب در سال ۱۳۳۵ ش. نخستین بار توسط شجاع الدوله شفا به زبان فارسی ترجمه شده است. در سال‌های اخیر نیز ترجمه‌های دیگر از آن به قلم فریده مهدوی دامغانی و توسط نشر تیر به دستداران این کتاب عرضه شده است.

مهم‌ترین شخصیت رمزی کمدی الهی «ویرژیل» شاعر معروف روم باستان است که الگوی دانته و راهنما و «دانای مطلق» او در سفر به دوزخ است. ویرژیل در دوزخ، نماد عقل و منطق بشری است و از آرایش و هوا و هوس‌ها پاک شده است. ویرژیل هر چند راهنمای انسانی دانته در سفر دوزخ است اما روحی بیش نیست: ((آن وقت راهنمای من با قایق فرود آمد و مرا نیز جای داد، فقط هنگامی اثر سنگینی قایق نمودار شد که من پای بدان نمودم)). (کمدی الهی، ص ۱۸۸)

از شخصیت‌های نمادین و تمثیل دیگری است که دانته همواره با شکوه و عظمت از او یاد می‌کند، بتاتریس معشوقه‌ی دوران کودکی و نوجوانی اوست. در سرود دوازدهم دوزخ می‌نویسد: ((راهنمای خردمند به من گفت آن چه را به زبان خودت شنیدی در خاطر نگهدار. اما اکنون خوب بدان چه می‌گویم هوش دار! چون در برابر فروغ دل پذیر آن بانویی رسیده باشی که دیدگان زیبایش همه چیز را می‌توانند دید.)) (همان، ص ۲۲۴)

دانته در سفر پر رمز و راز خود بسیاری از موجودات عجیب الخلقه را می‌بیند که در حیات این جهانی بی نظیرند. برخی از این موجودات ساخته ذهن خود دانته و برخی دیگر از دل اساطیر بیرون می‌آورد: ((چرو برو، حیوان دیو خو، با هرسه پوزه‌ی خود سگ وار به کسانی که غرقه‌ی این گنداب‌اند، پارس می‌کند.)) (همان، ص ۱۵۶)

شخصیت نمادین دیگری که دانته به توصیف آن می‌پردازد «پیرمرد جزیره‌ی کرت» یا «پادشاه جزیره‌ی کرت» است که دانته بارها از او یاد می‌کند. این پیرمرد قوی هیکل که برجسته‌ترین قیافه‌ی نمادین دوزخ است، مظهر کلی بشریت به شمار می‌رود و به یقین دانته این هیولا را از تورات گرفته است: ((در دل این کوهستان پیرمردی ستر ایستاده که پشت به دمیاط دارد و چنان به روم می‌نگرد که گویی این شهر آینه‌ی اوست. سرش از سیم ناب ساخته شده و بازوان و سینه‌اش از سیم خالص.)) (همان، ص ۲۵۷)

دانته گاهی در دوزخ مکان‌هایی را ذکر می‌کند که کاملاً جنبه‌ی رمزی دارند: ((این جویبار شوم هنگام رسیدن به پای دیواره‌های منحوس خاکستری رنگ، مردابی تشکیل می‌دهد که «استیجه» نام دارد.)) (همان، ص ۱۸۰)

استیجه: همان styx یونان است که در اساطیر یونان، رودخانه‌ای در سرزمین دوزخ است و در دوزخ دانته مردابی

است که حد فاصل قسمت اول و دوم از قسمت‌های سه گانه دوزخ است.

به دست راست چرخیدن: یکی از رموز کتاب دانته است که محققان هنوز نتوانسته‌اند آن را دریابند زیرا همیشه در دوزخ برای گذشتن از قسمتی فرعی از هر طبقه به سمت «چپ» می‌چرخند. شیطان اعظم: این هم موجودی است با سه سر، که در طبقه‌ی نهم جهنم است و سرهای سه گانه او هر کدام تمثیل و نماد خاصی دارند.

نتیجه‌گیری

تمثیل با بهره گرفتن از محدوده‌ی وسیع مجاز، به زبانی مشترک و جهانی نزدیک و گزارشگر احساسات و تجربه‌های مشترک بشری است. هر کس با شنیدن آن شرایط ویژه‌ی خود را با آن مقایسه می‌کند و خود را در آن سهیم و شریک می‌یابد. به همین ویژگی است که کتب آسمانی و معلمان بشریت به این شیوه روی آورده‌اند. تمثیل در حقیقت شگرد و شیوه‌های خاص بیان مطلب است. مثل، غالباً از اشیا و جمادات و حیوانات و مانند آن‌ها حکایت می‌کند و در ظاهر حقیقی نیست اما در درون آن، معانی عالی و تعالیم پر مغز نهفته است و شنونده یا حکمتی می‌آموزد یا فایدتی می‌اندوزد. با کمی دقت در می‌یابیم که تمثیل با ویژگی‌های منحصر به فرد خود یعنی: اکتسابی نبودن، خاص نوع انسان و همگانی بودن، انسان‌ها را شیفته و علاقمند خود کرده است. تمثیل شاید بنا به دلایلی دارای ضعف و کاستی شود اما هرگز از بین نمی‌رود و همچنان به نقش سازنده‌ی خود در تمام علوم علی‌الخصوص در عرصه‌ی پهناور ادب فارسی همچنان به نقش ارزنده‌ی خود ادامه می‌دهد.

منابع و مأخذ:

قرآن کریم

آموزگار. ژاله. ۱۳۷۲. ترجمه ارداویراف نامه، تهران: انتشارات معین

برتلس. یوگنی. ۱۳۷۴. تاریخ ادبیات فارسی، ترجمه‌ی سیروس ایزدی: هیرمند

رستگار فساہی. منصور. ۱۳۷۹. فرهنگ نام‌های شاهنامه، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی

رنجبر. مریم السادات. ۱۳۷۸. تصحیح سیرالعباد سنایی: اصفهان

کمدی الهی، ج ۱

گلن مایر. ۱۳۵۴. روان شناسی نوجوان: تهران

عقیقی. رحیم. ۱۳۷۴. ترجمه ارداویراف نامه، انتشارات توس: تهران، چ دوم

عهد عتیق، سفر داوران، ج ۹

معین. محمد. ۱۳۶۳. مزدیسنا و ادب فارسی: انتشارات دانشگاه تهران

References:

The Holy Quran

Amouzegar. Zhaleh. 1372. translation of Ardaviraf Nameh, Tehran, Publishers of Moeen

Bertels. Eugenee. 1374. History of Persian literature, translation of Siroos Eizadi, Hirmand

Rastegar fasaai. Mansour. 1379. Dictionary of Shahnameh names, Tehran, Research Institute of Humanities

Ranjbar. Maryamsadat. 1378. Corrected Sirlabad Sanaee, Esfahan.

The Divine Comedy, volume 1

Glenn Meyer. 1354. Adolescent psychology.

Afifi. Rahim. 1374. translation of Ardaviraf Nameh, publishers of Toos, Tehran, second edition.

Ahde Ateegh, Safar Davaran, volume 9

Moeen. Mohammad. 1363. Mazdisna and Persian literature, publishers of Tehran University

